

زمینه‌ها و راه کارهای تدوین برنامه ملی تحقیقات

متن سخنرانی دکتر حسن حبیبی

معاون اول رئیس جمهور و رئیس شورای پژوهش‌های علمی کشور
در اولین نشست عمومی شورا

بسم الله الرحمن الرحيم

مهمتر دیگر از نظر قانونی و آثار فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی، برنامه پنجساله دوم است. علاوه بر اینها، برنامه‌های میان مدت و آینده نگرهای دستگاهها و وزارتخانه‌هایی چون صنایع، کشاورزی و شهرداری نکته‌های مهمی را درباره مسائل مهم تحقیقاتی القا می‌کند. از همه مهمتر، اندیشه بلند مربوط به تکیه نکردن به درآمد نفت برای امور عادی و جاری کشور است که تکلیف اساسی و عمده‌ای را برای یافتن راه‌هایی دیگر برای کسب درآمدهای کلان برعهده مجریان می‌گذارد و روشن است که یافتن چنین راه‌هایی بدون تحقیق - آن‌سان که باید و شاید - عملی نیست. این مجموعه اطلاعات، چشم انداز و میدان وسیعی از کارهای عمده و مهم تحقیقاتی را در برابر ما می‌گسترده و ما را در خصوص انتخاب محورهای مهم تحقیقات به اندیشه وامی‌دارد. در اینجا، یادآوری دو نکته مهم بایسته است:

۱- فهرست اولویتهای تحقیقاتی و به خصوص فهرست الگوهای مصرف و برنامه پنجساله که می‌توانند پایه راهنمای تحقیقات باشند و لزوماً و به انحصار پیشنهادکننده و خواستار تحقیقات کاربردی و یا حتی توسعه‌ای نیستند و با اندکی دقت در همین فهرستها الزاماتی مشاهده می‌شود که تنها تحقیقات بنیادی می‌تواند پاسخگوی واقعی و نهایی آنها و البته در فاصله زمانی متوسط و بلند باشد. یعنی وقتی که ما در مورد

با کوششهای گوناگونی که در چند سال اخیر هم از سوی وزارتخانه‌ها و مرکزهای دست‌اندرکار تحقیقات و هم از جانب شورای پژوهش‌های علمی کشور به عمل آمده است، موضوع تحقیق به عنوان یک امر مستقل از آموزش و درعین حال در ارتباط با آن و نیز اهمیت پژوهش مورد توجه قرار گرفته است و در قوانین نیز تحت عنوان تحقیق جای خود را باز کرده و احکامی را برای پیشبرد کارهای مربوط به خود اختصاص داده است. درگفتار دیگری که به مناسبت شروع به کار جلسه بحث درباره روش تعیین اولویتهای تحقیقاتی داشتیم برای گروهی از همکاران شورای پژوهش‌های علمی کشور گفتم که چون همه کارها را با هم و در یک زمان، در هیچ نقطه‌ای از دنیا و نیز در ایران نمی‌توان انجام داد، بنابراین باید به انتخاب دست‌یازید و براین اساس پس از شروع فعالیت مجدد شورا این مطلب از سوی این جانب در شورا مطرح شد و با یاری و همکاری اعضای شورا، حاصل کار تعیین اولویتهای به عنوان یک پیش نویس در سال ۷۳ فراهم آمد. درکنار بحث مربوط به اولویت و اسناد مربوط به آن، سند دیگری را هم که دارای اهمیت اجرایی است و عنوان الگوی مصرف را دارد در اختیار داریم. این سند مصوب شورای عالی الگوی مصرف است که پس از تأیید ریاست محترم جمهوری به دستگاههای اجرایی کشور ابلاغ شده و در مواردی به مرحله اجرا درآمده است. سند

فهرست الگوهای مصرف صحبت می‌کنیم و یا لزوماً اولویتهای تحقیقاتی را مطرح می‌کنیم با این هدف که مسائل روزمره و جاری وزارتخانه‌ها و دستگاهها را حل بکنیم یا حتی توسعه بدهیم به این معنی است که نه تنها برنامه‌ها و تحقیقات توسعه بلکه تحقیقات پایه‌ای نیز - همان گونه که من همواره اشاره و تأکید کرده‌ام - اساسی است. بنابراین، معلوم می‌شود که در تحقیقات جنبه‌های بنیادی خیلی خیلی جدی داریم که باید به عنوان تحقیق بنیادی حل شود تا اینکه احتمالاً ۲۰ سال آینده بتوانیم کارهای جدی در زمینه‌های کاربردی و توسعه‌ای انجام بدهیم.

۲- در خصوص انتخاب زمینه‌های تحقیقاتی، بویژه با توجه به امکانات موجود کشور، راه حل منحصر به فرد، هماهنگی و همکاری میان دستگاه مسئول برنامه‌ریزی یعنی سازمان برنامه و بودجه و دستگاههای مسئول تحقیقات کشور است. به دلیل اینکه ما ایرانیها بلند نظریم و هیچ وقت حساب و کتاب نداریم و هیچ وقت هم به جیبمان نگاه نمی‌کنیم، حتی موقعی که اولویت می‌نویسم همه چیز در اولویت قرار می‌گیرد. علتش هم این بلند نظریها و بلند پروازیهاست یعنی یک رشته آرزو داریم که همه را ردیف می‌کنیم و می‌گوییم اینها همه اول هستند. بعد می‌بینیم که خوب این همه که نمی‌شود اول باشد و شاگرد اول یکی است. بعد آن وقت شاگرد ممتاز درست می‌کنیم و به همین ترتیب می‌آییم پایین. حالا در بعضی از جاها این مشکلات را می‌توانیم حل کنیم، شاگرد اول را ۵ سکه می‌دهیم و شاگرد ممتاز اول را ۴ تا و به ترتیب تا به پنجم و بقیه را هم بالاخره یک کاری می‌کنیم، تا دهم و پانزدهم را راضی می‌کنیم. اما در اولویت تحقیقات و اولویت اجرا امکاناتمان محدود است و مجبور هستیم که اولویت اول، دوم و سوم داشته باشیم. در حال حاضر هم همین وضع را داریم یعنی در اولویتهای تحقیقاتی و الگوی مصرف و برنامه پنجساله، همه را که روی هم جمع کرده و بازبینی می‌کنیم به دلیل اینکه بودجه به آن اندازه‌ای که در برنامه اول پیش‌بینی

کردیم نداریم بنابراین طوری باید درستش بکنیم. در مورد اولویتهای باید اهم و مهم بکنیم. این اهم و مهم نیازمند همکاری دو جانبه است و از اینجا به بعد بحث من خطاب به دو گروه برنامه‌ریز تحقیقات و برنامه ریز توسعه کشور است. یعنی این دو دستگاه باید با یکدیگر هماهنگ باشند. در این زمینه هر دو طرف باید با مسؤلیت‌پذیری در معنای عام و جامع آن و با توجه به یک تعهد واقعی ملی به این همکاری و هماهنگی تن بدهند. یادآوری این نکته بجاست که ریاست در هر دو طرف با رییس جمهور است. از یک طرف مسؤول اصلی دستگاه برنامه‌ریز کشور یعنی سازمان برنامه و بودجه رییس جمهور است و از طرف دیگر رییس جمهور با توجه به ریاستی که بر شورای عالی انقلاب فرهنگی دارند، در رأس دستگاه سیاستگذار آموزش و پژوهش و فرهنگ کشور قرار دارند. بنابراین، مسؤولان دیگر این دو گروه پس از رییس جمهور هستند که باید کارها و کوششها را هماهنگ کنند و بنابه تعریف و براساس آنچه عقل و منطق حکم می‌کند، یک نفر دو نظر متناقض نمی‌تواند داشته باشد. سازمان برنامه و بودجه اگر بخواهد توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور بر اساس برنامه‌های پنجساله به نتیجه مطلوب برسد و اصولاً برنامه را با توجه و حسابگری کامل از نتایجی که به دست می‌دهند مد نظر قرار دهند، باید به دو نکته توجه کند: یکی آنکه نتایج برنامه‌ها نباید تک و تک و پراکنده یعنی به صورت طرح فرعی یعنی همان که به آن پروژه می‌گویند یا طرح عمده و اصلی و برنامه و فصل و بخش دیده شود بلکه باید به گونه یک کل جامع هماهنگ و معدل القوا مورد بررسی و ارزیابی قرارگیرد؛ یعنی کل نتایج برنامه توسعه باید با هم دیده شود. ما از این قبیل کارها یعنی برنامه‌هایی که تک تک دیده می‌شود بسیار سراغ داریم که این مسأله بایستی به گونه‌ای باشد که جامع دیده بشود.

دوم آنکه، سازمان برنامه و بودجه برای کل برنامه از طریق تحویل بخشها و اجزای آن تا مرحله طرحهای فرعی نیازهای

تحقیقاتی را مشخص سازد و برای گرفتن پاسخ در پی پاسخ دهنده باشد. علاوه بر این، اگر سازمان برنامه و بودجه بخواهد اعتباراتی را که برای تحقیقات به دولت و مجلس پیشنهاد می‌کند و به تصویب می‌رساند بجا هزینه شود و نتیجه‌ای که برای آن هزینه پیش‌بینی شده است با اندکی کسر و اضافه به دست آید، باید برای تحقیقات تعریف شده برنامه که توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور را براساس آرمانها و ارزشهای مطلوب نظام اسلامی تحقق می‌بخشد، بودجه تعیین کند و مراکز تحقیقاتی را برای انجام دادن آن تحقیقات فرابخواند و آنها را در وظیفه‌ای که برعهده می‌گیرند یاری کند. اگر چنین شد، سرنوشت تحقیقات و به دیگر سخن، اولویتهای تحقیقاتی با اولویتهای توسعه جامع‌الاطراف کشور گره می‌خورد و توسعه جامع‌الاطرافی که مبتنی بر توسعه آرمانی است به دست خواهد آمد و در این توسعه آرمانی مقام و موقعیتی شایسته و در خور برای کلیه ارزشهای والای اسلامی به گونه‌ای جامع، هماهنگ و معدل‌القوا وجود دارد و باید وجود داشته باشد. با توجه به آنچه گذشت، این سؤال مطرح می‌شود که اکنون که پذیرفته‌ایم و خواهیم پذیرفت که همه موضوعاتی را که به ذهن می‌رسد یکجا نمی‌توان مورد تحقیق و بررسی قرار داد و نیز جفای به کشور و مردم است که منابع مالی محدود آن را در حالی که خود نیازمند آن هستیم صرف بررسیها و پژوهشهایی کنیم که خود نمی‌توانیم از آن بهره بگیریم و از سرنوشت آنها هم به‌واقع آگاه نمی‌شویم؛ با توجه به اینکه پذیرفته‌ایم یا خواهیم پذیرفت که تحقیقاتمان راهگشای توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مبتنی بر آرمان کشورمان باشد؛ اگر که پذیرفته‌ایم می‌خواهیم بدانیم تا چه حد راه و روش در نظام تحقیقاتی کشور و موضوعات آن با این روش کار همخوانی دارد، راستی را بخواهیم، پاسخ به این پرسش خود نیازمند پژوهش میدانی است اما آنچه در اینجا می‌توان گفت آن است که برنامه‌های تحقیقاتی ما تا کنون آن‌گونه که باید و شاید با برنامه توسعه کشور با این روش،

مورد بررسی و ارزیابی و تصمیم‌گیری واقع نشده است. البته، بعید نیست که اگر این تطبیق صورت گیرد معلوم شود که در بسیاری از موارد مراکز تحقیقاتی کشور آماده پاسخگویی به نیازهای برنامه توسعه هستند و تحقیقاتی هم که انجام می‌دهند در همان جهت است و یا با اندکی اصلاح مسیر همان خط را پی می‌گیرد و برعکس برنامه توسعه نیز با تصحیح‌هایی که نتیجه تحقیقات در خط سیر آنها انجام می‌دهند، در خط مطلوب قرار می‌گیرد. اما به هر حال این کار باید صورت گیرد و این هماهنگی و همکاری باید بجد آغاز شود و در سریعترین زمان به نتیجه برسد. برای رسیدن به این نتیجه و همکاری و هماهنگی بین این دو سازمان که مقدمه این نتیجه هست، یعنی هماهنگی و همکاری که نتیجه‌اش آن کارهای منظم است، چه باید کرد؟ پیش از پرداختن به این پرسش و در دنباله مطالبی که درباره اهمیت تعیین اولیتهای بیان شد، اشاره به برخی از فوایدی که تحقیقات از این دست و با این چشم‌انداز عرضه می‌کند بایسته است. اگر بتوانیم با بهره‌گیری از پژوهشهای تعریف شده که بنیاد و مبانی توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آرمانی کشور را استوار و مستحکم می‌سازد به توسعه عادلانه و پایدار اسلامی - انسانی شتاب بخشیم و راه مبادی و اصول توسعه بعدی را هموار کنیم، بی‌هیچ گفتگویی موفق شده‌ایم که عمده‌ترین اموری را که مانع توسعه جامعه و هماهنگی و معدل‌القوا هستند شناسایی کنیم و بسیاری از آنها را در چند برنامه پنجساله تحقیق از سر راه برداریم و راه تجدید حیات تمدن اسلامی را هموار سازیم و الگوی مناسبی برای کشورهای خواهان پیشرفت و بویژه کشورهای اسلامی عرضه کنیم. نکته مهم در این خصوص آن است که حل و فصل مسائل عمده و رفع موانع تنها و تنها حاوی صرفه‌جویی مادی نیست. متأسفانه وقتی که می‌گویند فلان کار را بکنیم بلافاصله می‌گویند که این مقدار ریال یا این مقدار دلار صرفه‌جویی می‌شود و اصلاً به بقیه بحث کاری ندارند و بحث را ادامه نمی‌دهند. چون فتوا نمی‌توانم بدهم در

مورد جنبه شرعی قضیه چیزی نمی‌گویم ولی از نظر اخلاقی یک کار بسیار بسیار غلط است که ما مردم را به این اندازه پولکی بکنیم. یعنی بگویم اگر این کار را کردی دو ریال نصیبت می‌شود. یا اگر این کار را کردی ۲ میلیارد دلار نصیبت می‌شود. هم‌اکنون جنبه مادی قضیه است بدون اینکه یک قدم آن طرفتر باشد. متأسفانه در ارزیابی‌های ما هنگامی که آمار و ارقام مطرح می‌شود و تازه اگر درست مطرح شود، فقط وجه مادی عدد و رقم مورد توجه قرار می‌گیرد و مسائل و نتایج عمده‌ای که اندکی روی پوشیده هستند و اهمیتی چند برابر اگر نه صد چندان از لحاظ فرهنگی و اخلاقی و اجتماعی و در یک کلام انسانی و معنوی دارند، مورد غفلت قرار می‌گیرند. حتی وجه مادی و صرفه‌جویی‌های اعتباری و بودجه‌ای نیز تنها از دیدگاه مطلق اعداد و ارقام مدنظر قرار می‌گیرد و به این نکته توجه نمی‌شود که به طور مثال اگر این اعداد و ارقامی که صرفه‌جویی شده‌اند در زمینه تعلیم و تربیت یا بهبود زندگی مردم و نظایر آنها به کار گرفته شود چه نتایج اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی در پی دارد. به هر حال، ذکر چند مورد با توجه به یادآوری بالا مطلب ما را روشنتر می‌کند و اهمیت هماهنگی و همکاری میان دو گروه برنامه‌ریز توسعه و برنامه‌ریز تحقیقات و تأثیر متقابل تصمیم‌گیری‌های آنها را به یکدیگر آشکارتر می‌سازد.

۱- اگر بتوان با انجام دادن یک رشته تحقیق بنیادی، توسعه‌ای و کاربردی که چند وجهی نیز هستند در زمینه آب و مواد غذایی از یک سو به تولید بیشتر با هزینه کمتر دست یافت - بویژه تولید بیشتر ولو با هزینه مطلوب با توجه به امکانات موجود یعنی زمینهایی که در وضع فعلی آمادگی حاصلخیزی کافی ندارند یا آبشان اندک است یا هر دوی اینهاست یعنی هم آب کم دارند و هم حاصلخیز نیستند - و از سوی دیگر از هدر رفتن آب و مواد غذایی به طور کامل پرهیز کرد، در کار تجدید تمدن اسلامی گامی بزرگ فراپیش نهاده شده است، چرا؟ برای اینکه بحث مربوط به کمبود آب و

امکانات غذایی در قرن آینده بحثی جدی است و هر جایی که نان و آب نداشته باشد نمی‌تواند تمدن داشته باشد. حالا ما می‌خواهیم تمدن اسلامی را تجدید بکنیم و باید بتوانیم زندگی بکنیم و اگر بخواهیم زندگی بکنیم دیگران به ما گندم نمی‌دهند و آب را هم که الان می‌بینیم جنگ آب در خاورمیانه از جنگ نفت دارد شدت و بحرانش بیشتر می‌شود. بنابراین، شما با این آب و این زمین باید برای ۱۰۰ یا ۱۵۰ میلیون نفر آب و غذا درست کنید. این یک تحقیق بنیادی می‌خواهد و این هم کارش و فرصتش الان است. ده سال دیگر معلوم نیست که ما بتوانیم چیزی داشته باشیم و آن وقت می‌شویم چاد و اتیوپی و گرسنگی دوباره گرفتارمان می‌کند. حالا که حواسمان جمع است عقل به خرج بدهیم و این کار را انجام بدهیم. اگر جامعه اسلامی ما بخواهد بدون وابستگی به کشورهای دیگر روی پای خود بایستد در این دو زمینه باید کارهای سترگی را به انجام برساند و رسیدن به نتیجه مطلوب در این زمینه، نیازمند تحقیق جدی و سریع است.

۲- روشهای یادگیری و کوتاه کردن مدت تحصیل در نظام آموزش و پرورش ابتدایی و متوسطه، در عین حفظ و درست‌تر بگویم گسترش و ژرفا بخشیدن بیش از پیش آگاهیها، قدرت تحرک و سازندگی بیشتر و طولانی‌تری را از لحاظ زمان به نسل جوان کشور بدهد. دیگر بحث در این نیست که شما مدت را کوتاه کنید که پولی را صرفه‌جویی کنید، بحث در این است که مرا زودتر نجات بدهید و من فرصت بیشتری داشته باشم برای اینکه با آگاهی بیشتر در سازندگی کشور حضور پیدا بکنم. بنابراین ضروری است که در مورد روش یادگیری و مجموعه تعلیم و تربیت یک فکر جدی کنیم.

۳- پرداختن به رشته‌های جدید دانشگاهی ما را هماهنگ با تحولات علمی و عملی جهان می‌کند، رشته‌هایی نظیر بیوتکنولوژی و مسائل مربوط به تعلیم و تربیت را - از نوعی که به آن اشاره کردیم - باید جدی گرفت. در همین زمینه از لحاظ اخلاقی، انسانی و دینی باید مسأله بیواتیک نیز برای ما

از اهمیت بالایی برخوردار باشد. در جهانی که حیثیت انسانی و اصول اعتقادی ما در معرض خطر قرار گرفته است توجه به این امر بایسته است. بیواتیک زاده نگرانی بشر از پیشرفت سریع علم و تکنولوژی در دهه اخیر است. بدین معنا که بشر متوجه شده است که پیشرفت علمی امری دو بُعدی و شمشیری دولبه است و در صورت کنترل نکردن آن می تواند موجب تخریب بشریت شود. بدین لحاظ، مجموعه ای از ملاحظات اخلاقی، اجتماعی و انسانی در برابر پیشرفت تحقیقات در زمینه زیست شناسی و ژنتیک به منظور حفظ شرافت انسان، آزادی افراد و اقوام و ملل، مسؤولیت پذیری، همبستگی و جلوگیری از مزوی کردن و حذف افراد و اقوام مورد نیاز است. این پیشرفت، ممکن است راه درمان برخی از بیماریها مثل سرطان و هپاتیت را به ارمغان بیاورد و از برخی بیماریهای موروثی جلوگیری کند ولی در عین حال تبعات منفی نیز می تواند داشته باشد مانند مزوی ساختن افراد و یا اقوامی که پیش زمینه برخی از بیماریها را دارند و یا تغییرات ژنتیک در حیوانات به صورتی که آنها را قادر سازد تا بیماریهای انسان را دارا شوند تا تحقیقات آزمایشگاهی از این رهگذر آسان شود و یا تغییرات ژنتیکی بر روی نطفه انسانی و نظایر اینها. فردی که مبدع تولید انسان در آزمایشگاه بود چند سال پیش در فرانسه به طور ناگهان اعلام کرد که تحقیقاتش رادر این زمینه قطع می کند و علتش این است که احساس خطر می کند و ممکن است تغییراتی که بدین ترتیب حاصل می شود تغییرات بسیار جدی باشد و ژنهای انسانی و مسأله زیبانژادی را به صورت یک مسأله عملی در بیاورد. در نتیجه، یک گروه عمده ای از انسانهای دنیا در واقع مزوی خواهند شد، یعنی قومی با یک مشخصات معین به وجود می آید و اقوام دیگر انسانهای درجه دوم می شوند.

بنابراین، مسأله از نظر اخلاقی خیلی مهم است و از این جهت بیواتیک یک مسئله جدی است بخصوص برای محققان و پژوهشگرانی که با یک آرمان و اعتقادی سروکار دارند. چون

تبعات این تحقیقات تنها متوجه کشورهای پیشرفته نیست بنابراین، تعداد قابل توجهی از کشورها، مراجع ملی را موظف به تهیه مقررات و قوانین لازم برای حفاظت نوع بشر و تدوین یک چهارچوب کار برای این گونه تحقیقات کرده اند و ما هم باید در این زمینه اقداماتی انجام بدهیم.

۴- در وجه اقتصادی، پرداختن به بسیاری از مسائل اقتصادی می تواند راهگشای ما در زمینه توسعه اقتصادی و آرمانی باشد. برای مثال، تحقیق بیشتر و ژرفانگری در زمینه بانکداری اسلامی و حضور فعال بانکهای اسلامی در اقتصاد و بازار سرمایه می تواند به بهره گیری بهینه و بدون دغدغه های شرعی از سرمایه های کوچک و نیروهای کار پراکنده بینجامد و رونق اقتصادی بی نظیری را برای جامعه اسلامی ایران و دیگر جامعه های مسلمان فراهم آورد.

۵- مسائل مربوط به جوانان از اهمیت بالایی برخوردار است و امکانات فراوانی را از لحاظ بهره گیری اقتصادی و اجتماعی و سازندگی برای جامعه جوان ما عرضه می کند.

۶- از مهمترین مسائلی که در سالهای اخیر از آن غفلت کرده ایم، مسأله معماری و شهرسازی است. مبالغی را که ما حداقل در برنامه اول و دوم صرف ساخت و ساز کردیم در مقایسه با بقیه تاریخ ایران کم نظیر است، اگر نگوئیم که بی نظیر است. پلهای عظیمی هم در شهرها و هم در جاده ها ساخته شده و ساختمانهای بزرگی که ساخته ایم کم نظیر است. همه اینها هستند اما شما یک پل ندارید که یک القایی بکند؛ وقتی شما از کنار سی و سه پل رد می شوید احساس خاصی به شما دست می دهد که در مقابل هیچ یک از این پلهای یا این عظمت، هم از نظر صرف هزینه و سازه و هم از لحاظ قدرت تحمل، چنین احساسی را نمی کنید. این همه ساختمان ساختم، یکی از آنها به اندازه مسجد آقا در کاشان یک چنین احساسی را در شما به وجود نمی آورد که این مسجد با این نکته هایی که در آن هست. ما در این دوره از مجموعه امکاناتی که داشتیم استفاده بهینه نکردیم؛ یعنی در عین اینکه داشتیم

می‌ساختیم فکر نکردیم که اینها را زیبا بسازیم در معنایی که ما بفهمیم. این هم علتش این است که معماری برایمان جدی نبوده و در مجموعه نظام برنامه‌ریزی و نظام ساخت و ساز کننده کشور این مسأله به این عنوان مطرح نشده که خوب حالا این مجموعه را ما به صورت یک کل هماهنگ ببینیم و ببینیم که چه باید بکنیم، در نتیجه خیلی زیاد ساختمان ساختیم اما هیچ کدام از اینها پیامی را نمی‌دهد. به هر حال، این مسأله هم در شهرسازی و راهسازی و هم در مورد ساخت و ساز مهم است و بایستی به آن توجه کرد.

اکنون که روشن شد تا چه اندازه تحقیق در کار توسعه راهگشا است باید هماهنگی و همکاری میان دو گروهی را که پیشتر گفتم یعنی دستگاه برنامه‌ریز و تحقیقات طلب کرد. پیشنهاد ما که از این پس بیشتر باید درباره آن اندیشه کرد و سخن گفت این است که دو طرف به گونه‌ای علمی مقدمات گفتگو و بررسی دو جانبه را آغاز کنند. در حال حاضر و بخصوص برای یکی دو سال آینده با توجه به اینکه تحقیقات نیمه‌کاره در دست داریم و نباید به هیچ دلیل و بهانه‌ای آنها را رها کرد و ناتمام گذاشت، نمی‌توان همه اعتبارات تحقیقاتی را صرف برنامه‌ای که پیشنهاد می‌شود کرد اما می‌توان درصدی از آن را به این برنامه جدید اختصاص داد.

امسال یک مقداری پول از دستگاههای تحقیقاتی آزاد می‌شود. حالا اینها را می‌شود بی‌برنامه یا با برنامه به کار گرفت. پیشنهاد ما این است که این قسمت از پولی که امسال آزاد می‌شود با برنامه به کار گرفته شود. ما حساب کردیم که یک درصدی را داریم منتهی این درصد را به عهده آن محققانی که باید به این مسأله برتسند، می‌گذاریم تا ببینند چقدر آزاد می‌شود که برای همان قسمت برنامه‌ریزی کنند. اما ما یک پیش فرض خودمان داریم. برنامه جدید می‌تواند تحت عنوان برنامه ملی تحقیقات یا نامی از این قبیل باشد و تعدادی طرح عمده و مهم با طرحهای فرعی تعریف شده و زمانبندی شده را در بر بگیرد. ده تا، بیست تا، پنجاه تا تحقیق عمده و زیر

مجموعه‌اش نیز تعدادی طرح که پاسخگوی نیازهای عمده توسعه کشور باشد و توسعه‌ای را هم که عرض کردم توسعه بنیادی است و از این قبیل مواردی که برشمردم هر کدام را به نتیجه برسانید برای چند نسل دعاگو خواهید داشت. این طرحهای عمده در آن برنامه ملی تحقیقات با عنوانی از این قبیل بیاید و در آنجا تعریف شود و طرحهای فرعی‌اش تعریف بشود و تکلیفش معلوم بشود. این برنامه ظرف ۵ تا ۷ سال یعنی پس از پایان یافتن تدریجی طرحهای کنونی می‌تواند بخش عمده‌ای از اعتبارات تحقیقات را دربرگیرد. ما فکر می‌کنیم که مثلاً تا ۵ یا ۶ سال دیگر این تحقیقاتی را که در دست داریم تمام می‌شود. بنابراین، کل این اعتبارات را می‌توان در خط برنامه ملی تحقیقات انداخت؛ یعنی حداقل ۹۰ درصد و ۱۰ درصد هم برای به اصطلاح دست‌گرمی و کارهای متفرقه بگذاریم. برنامه ملی تحقیقات در زمینه‌های اصلی توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آرمانی کشور خواهد بود. مجری این تحقیقات مراکز عمده دانشگاهی و مراکز تحقیقاتی کشور خواهند بود. ما یک جمع‌بندی یعنی یک فهرستی که بگیریم، ۱۳ یا ۱۴ مرکز عمده تحقیقاتی در وزارت فرهنگ و آموزش عالی داریم و با یک نسبت کمتری در دانشگاههای علوم پزشکی هم یک چنین وضعی داریم. مجری این تحقیقات مراکز عمده دانشگاهی و مراکز عمده تحقیقاتی کشور خواهند بود که دارای امکانات و تجهیزات و نیروی انسانی قابل ملاحظه‌ای هستند و باید از نیروی انسانی مراکز کوچکتر نیز بهره بگیرند. مراکز کوچکتر از لحاظ تجهیزات و سایر موارد ضعیف و مقداری ناتوان هستند ولی نیروهای انسانی نسبتاً خوبی را در بسیاری از مراکز داریم. این نیروهای انسانی را برای این قسمت از تحقیقات به کار گیرند و یک دستگاه نظارتی بر جریان تحقیقات نیز باید کارها را پیگیری کند. واقعیت این است که در حال حاضر از بسیاری از نیروهای محققان استفاده درست نمی‌کنیم و برای استفاده از این نیروها باید برنامه منظمی داشته باشیم.

اما در مورد امکانات واقعاً باید تأسف بخوریم. ما امکانات زیادی داریم. من نمی‌گویم امکاناتی را داریم که بسته‌بندی شده است. در جاهایی هنوز امکاناتی هست که بعضی از آنها مربوط به قبل از انقلاب است و از رده خارج شده و بعضی را هم یک جایی دیدیم و از آن خوشمان آمده و خریدیم و بعد هم دیگر نتوانستیم از آن استفاده بکنیم. من این قسمت را نمی‌گویم ولی همین آزمایشگاه‌های موجود ما چرا نباید ۲۰ یا ۲۲ ساعت کار بکنند و دو سه ساعت هم برای نظافت، جمع و جور کردن، شستن لوازم آزمایشگاهی و کارهایی از این قبیل صرف کنند. ما اگر دو یا سه نوبت محقق داشته باشیم، هیچ ضرری به آزمایشگاه وارد نمی‌شود. بسیاری از اینها هم هستند که دو تا عمر دارند: یک عمر تقویمی که مثلاً ده سال است و یک عمر استفاده‌ای. ما اگر از عمر استفاده‌ای آزمایشگاه بهره‌درست نبریم، عمر تقویمی هم تمام می‌شود و وقتی که عمر تقویمی تمام شد از بین می‌رود. این آزمایشگاه باید ده سال کار کند، اگر ۲۰ ساعت از آن استفاده کنند ده سال کار می‌کند و اگر دو ساعت هم از آن استفاده کنند یازده سال کار می‌کند. بعد از ده سال ظاهرش نو است ولی نمی‌شود از آن استفاده کرد. بنابراین، این قسمت از امکانات را هم در این برنامه باید مدنظر قرار داد. باید راه‌هایی اندیشیده شود؛ پیشنهاد من ایجاد مؤسساتی است که در آنها آورده دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی، امکانات و تجهیزات و فضای آن به طور ۲۴ ساعته باشد و آورده محققان علم و نیروی کارشان باشد. سازماندهی فعلی ما نمی‌تواند جوابگو باشد. اگر توقع داشته باشیم با وضعیتی که دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی در حال حاضر دارند و بگوییم یک عده محقق در آن کار بکنند، نتیجه تحقیقاتی هم داشته‌باشد و از نتیجه تحقیقات در کشور هم استفاده شود و هیچ‌گونه پاداشی هم به این محقق ندهیم، این آقا نخواهد آمد. ترجیح می‌دهد برود و در خانه‌اش بنشیند و زندگیش را بکند. دو سه ساعت هم کار می‌کند و عنوان استاد و محقق و این حرفها را هم که دارد، دیگر بیش از این که نمی‌خواهید به این

بدهید. از این جهت مهم است که ما بگوییم که این آقای محقق یا خانم محقق که تحقیق می‌کند بالاخره یک استفاده‌ای هم از این مجموعه تحقیق می‌برد. بنابراین، بایستی از این نیروی کاری که به کار گرفته می‌شود یک بهره‌ای را به محقق بدهید. ما در شرایط فعلی و در مقررات فعلی چنین اجازه‌ای را نداریم. تأسیسات و امکانات مراکز تحقیقاتی و تأسیسات دانشگاهی هم می‌تواند به همین صورت مورد استفاده قرار بگیرد؛ آزمایشگاهی که وجود دارد به صورت یک آورده تلقی شود و از آن طرف هم محقق علم و نیرویش را به عنوان آورده می‌آورد، نتیجه تحقیقات آن چیزی خواهد بود که کشور از آن استفاده می‌کند، یعنی مشکلات ما را حل می‌کند. این شیوه همکاری نتیجه‌ای که برای دانشگاه دارد یک مقداری درآمد است که این را می‌تواند صرف توسعه کارهایش بکند یا چاله‌های فعلی‌اش را پر کند. نتیجه‌ای هم که برای محقق دارد این است که درآمدی دارد که می‌تواند به جای اینکه برود بیرون درس کنکور بدهد می‌آید اینجا و کارش را می‌کند و همان پول یا نصف آن پول را در می‌آورد و افتخار هم برایش هست. بنابراین، راهی جز این به نظر من وجود ندارد. دستگاه تحقیق کشور باید طرحی را در این زمینه ارائه کند و مجلس هم بپذیرد که امکانات موجود را در اختیار بخش تحقیقات کشور قرار بدهیم. بنابراین، این راه حلی است که می‌توانیم از آن استفاده کنیم و برنامه ملی تحقیقات را که پیشنهاد آن داده شد یک سازمان اجرایی و یک سازمان نظارتی لازم دارد. سازمان نظارتی آن را می‌توانیم سریع درست کنیم اما سازمان اجرایی‌اش، از این راه به نظر می‌رسد که سریعتر به نتیجه خواهد رسید و گرنه شما می‌روید سراغ استادی که خسته است و حوصله ندارد و می‌بیند که به او بی‌اعتنایی نشده و زحمتهایش را مد نظر قرار نمی‌دهند و از لحاظ مادی هیچ‌به فکرش نیستند، آنجایی نشیند و می‌گوید بله باید این کار را کرد و نمی‌کند اما اگر دید در اینجا یک نتیجه‌ای هم به لحاظ علمی و هم به لحاظ مادی، قطعاً این کار سروسامان پیدا می‌کند. ■■■